



گفت‌وگویی «مردم‌سالاری» با خلبان ایرانی-ایتالیایی تیم رد بول که تاریخ‌ساز شد

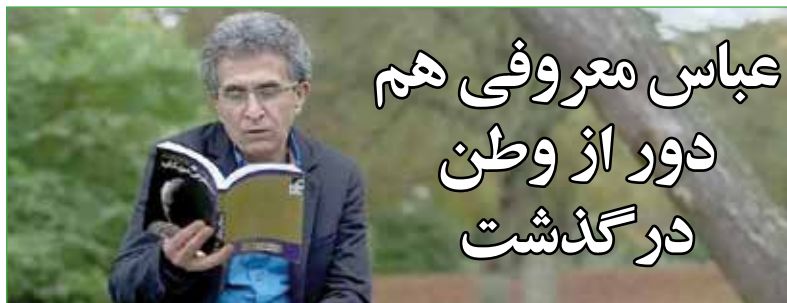
ماجرای عبور از داخل تونل با هواپیما

صفحه ۸

ارسال پاسخ ایران به نظر آمریکا درباره پیشنهاد برجامی اروپا

مذاکره مستقیم، تنها راه حل پایان ماراتن برجام

صفحه ۳



عباسی معروفی هم دور از وطن در گذشت

صفحه ۹

جزئیات تغییر سیاست ارزی «داروهای وارداتی»

صفحه ۴

رئیس جمهور در آیین بهره‌برداری از طرح غدیر:

نیازمند حرکتی جهشی و جهادی برای رفع مشکلات کشور هستیم

صفحه ۲

تالاب انزلی در دود و آتش

سرپرست اداره محیط زیست بندر انزلی از آتش‌سوزی در بخش مرکزی تالاب انزلی به دلیل نامعلوم از بامداد جمعه خبر داد. جعفری گفت: پس از دریافت خبر آتش‌سوزی در تالاب انزلی، تیم مدیریت بحران به محل مور نظر اعزام شدند و دستگاه‌های خدمت‌رسان در منطقه مستقر هستند. این دومین آتش‌سوزی تالاب انزلی در تابستان امسال است. در همین حال، معاون مهندسی و پدافند غیر عامل وزارت دفاع بعد از ظهر دیروز از اعزام سه فروند بالگرد اطفای حریق به تالاب انزلی خبر داد و گفت: تا اطفای کامل حریق تالاب انزلی، مرکز کنترل و پشتیبانی اطفای حریق هوایی کشور، در کنار سایر نهادهای امدادرسان در منطقه حضور خواهد داشت.



پس از چهار ماه پر التهاب

بازار اجاره از تب و تاب افتاد

صفحه ۵

سر مقاله

مذاکرات هسته‌ای و جای خالی دیپلماسی عمومی

نیازمند بودجه مانند فرهنگیان و بازنشستگان و ... رفع کنند. اما این فرصت‌ها را با واسطه تراشی در مذاکرات برجامی و عدم گفت‌وگوی مستقیم از دست می‌دهیم. در این میان تلاش مسئولان برای این که به عموم مردم بقبولانند عامل تاخیر در احیای برجام، طرف‌های غربی هستند چندان نتیجه بخش نبوده چراکه اولاً مردم در مذاکرات نامحرم شناخته می‌شوند و از ابتدای مذاکرات تاکنون هیچ اطلاع رسانی اقناع بخشی از سوی مسئولان صورت نگرفته است. ثانیاً بسر خلاف مذاکرات در دولت قبل که محمودجواد ظریف و همکارانش با تکیه بر تجربه طولانی دیپلماتیک و همچنین تسلط به زبان انگلیسی، با گفت‌وگوهای مکرر با رسانه‌های جهان،



حمیدرضا شکوهی

پاسخ ایران به آمریکا باز هم رضایت آمریکا را جلب نکرده؛ همانگونه که پاسخ‌های آمریکا رضایت ایران را جلب نکرده بود؛ ایران و آمریکا همچنان با واسطه در حال مذاکره هستند و فرصت‌ها برای احیای برجام از دست می‌رود. حداقل ضرری که با هر روز تاخیر در احیای برجام، نصیب ایران می‌شود، از دست دادن روزانه نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار ارز حاصل از صادرات نفت است. درآمدی که می‌توانست بسیاری از مشکلات مالی کشور را به ویژه در تکمیل پروژه‌های نیمه‌کاره و تخصیص بودجه در حوزه‌های

رئیس هیات مدیره شرکت «صبا مهر اسپادانا» اعلام کرد

شرکت‌های ساختمانی درگیر عوارض و مالیات

امضای پایان کار، دوباره مطالبه پول می‌کند و این هزینه‌ها برای سازندگان سنگین و ناشناخته است.

شهرداری‌ها هم مشکلاتی داشتند، اما به دلیل اینکه در مجامع، جلسات و رسانه‌ها بارها گفته شده، طی یکی دو سال اخیر تا حدودی یک سازماندهی و ضابطه‌مند شده‌اند و شرایط در این سازمان بهتر است. اما نهادهای دیگر همچنان مسیر خود را می‌روند و احساس ما این است که مطالبه‌گری می‌کنند. یعنی گویا سفراهی در این میان پهن شده و این نهادها باید سهم خود را از این سفره بگیرند و کاری به این ندارند که سازنده بتوان پرداخت این هزینه‌ها را دارد یا ندارد یا با تحمیل این هزینه‌ها به ساختمان، چه باری را به دوش مردم تحمیل می‌کند. چون سازنده همه هزینه‌ها را به ناچار در زمان فروش به نرخ مسکن اضافه می‌کند.

مسئله قابل توجه این است که همه این مبالغ و هزینه‌ها را در ابتدای پروژه دریافت می‌کنند. یعنی وقتی سازنده حجمی از سرمایه را برای شروع خود پروژه آماده کرده، قبل از اینکه اولین مصالح خود را خریداری کند، ابتدا باید هزینه‌های دولتی را بپردازد و اگر سرمایه‌های باقی ماند، کار اجرا را شروع کند. سال‌هاست که این مشکلات مطرح می‌شود، اما کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد و مناسفانه این مسائل مورد توجه نهادهای متولی نیست.

انتظارات و درخواست‌های شما از دولت چیست؟

در طرح نهضت ملی مسکن بارها در جلسات عنوان کرده‌ایم که از تجربه‌های مسکن مهر استفاده شود. متأسفانه کمتر به این تجارب توجه می‌شود. در استان اصفهان نزدیک به ۳۰ هزار واحد را در مسکن مهر مدیریت کردم و با مشکلات و کس و قوس‌هایی که داشت ساخته شد. با اجرای آن عده‌ای از نیازمندان صاحب خانه شدند و برای بخشی از جامعه نیز اشتغال ایجاد شد که جزو نقاط مثبت طرح است. اما روندی که این پروژه می‌خشد تا به انتها رسید، می‌تواند برگ تجربه‌ای در طرح نهضت ملی باشد که متأسفانه کاملاً کنار گذاشته شده است.

دولت می‌تواند نقاط ضعف و قوت مسکن مهر را در دستورالعمل‌ها مورد توجه قرار دهد، اما اصلاً این موارد فراموش شده است. قیمت‌گذاری‌ها و فشار برای این است که قیمت تمام‌شده ساخت را در پروژه‌های ساختمانی به استخدام ما در می‌آورند و به‌رغم اینکه علاقه چندانی به این امر ندارد، به اجبار این مهندسان را در پروژه‌های ما استخدام می‌کنند و صرفاً چند امضا را ابتدا تا انتهای پروژه می‌زنند و دستمزد قابل توجهی دریافت می‌کنند. کافی است که مدت اجرای پروژه از سه سال بیشتر شود، بلافاصله ادعای پول می‌کنند و مجدداً وجهی را دریافت می‌کنند. در انتهای ساختمان نیز برای دریافت

حوزه بخش خصوصی فعالیت می‌کند و در بخش دوم دولت در قالب طرح نهضت ملی متعهد به ساخت مسکن شده است. تولید مسکن در قالب طرح نهضت ملی هنوز در ابتدای راه است و تا به ثمر برسد، به نظر می‌رسد که شاید تا پایان چهار ساله دولت، تعدادی از واحدها آماده شود. پیش‌بینی من این است که در بهترین حالت تا پایان ۴ ساله دولت رئیسی حداکثر دومیلیون واحد مسکن ساخته شود. بخش خصوصی نیز در محدوده قبلی ساختوساز مسکن انجام می‌دهند و به نظر می‌رسد امسال ساخت‌وسازهایی در این حال انجام است و انبوه‌سازان فعالیت می‌کنند، اما سازندگان که خارج از مجموعه انبوه‌سازان هستند، کمتر فعالیت می‌کنند.

به عنوان یک سازنده چه مشکلاتی در بخش ساخت‌وساز دارید؟

مهم‌ترین مشکل بخش ساخت‌وساز مربوط به صدور مجوزها و مسائل دولتی است. چون هزینه‌ها ما در سه بخش یعنی تهیه زمین، تأمین مصالح و دستمزدها یا اجرای ساختمان و بخش سوم که هزینه‌های قابل‌توجهی را می‌طلبد، مربوط به هزینه‌های دولتی است. در بخش هزینه‌های دولتی اعداد و ارقام هم سنگین و هم نامشخص است. به عنوان مثال چند مدل مالیات پرداخت می‌کنیم؛ در صورتی که در هیچ صنعتی تولیدکننده‌ها مانند سازندگان سه یا چهار مورد مالیات پرداخت نمی‌کنند و حداکثر یک یا دو مورد پرداخت می‌کنند.

علاوه براین، عوارض باید پرداخت کنیم که آن هم از جنس مالیات است. اما تحت عنوان عوارض از ما اخذ می‌شود. بیمه تأمین اجتماعی یکی دیگر از معضلات عمده ماست که ارقام سنگینی را باید برای این منظور بپردازیم و معادل با ۱۵ درصد از هزینه یک ساختمان را باید به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت کنیم؛ اما آنها هیچ تعهدی در قبال پولی که می‌پردازیم، ندارند. تعریف بیمه در دنیا این است که بیمه در مقابل خدماتی که ارائه می‌کنند، طبیعتاً پول دریافت می‌کند؛ اما در این بخش سازمان تأمین اجتماعی به‌رغم دریافت هزینه‌های کلان، هیچ خدماتی را به مجموعه‌های ساخت‌وساز نمی‌دهد.

در نظام مهندسی هم این معضلات را داریم و هرچند این سازمان دولتی نیست؛ اما جنس خدمات آن از نوع خدمات عمومی است. تعداد قابل‌توجهی مهندس تحت عنوان ناظر و طراح را در پروژه‌های ساختمانی به استخدام ما در می‌آورند و به‌رغم اینکه علاقه چندانی به این امر ندارد، به اجبار این مهندسان را در پروژه‌های ما استخدام می‌کنند و صرفاً چند امضا را ابتدا تا انتهای پروژه می‌زنند و دستمزد قابل توجهی دریافت می‌کنند. کافی است که مدت اجرای پروژه از سه سال بیشتر شود، بلافاصله ادعای پول می‌کنند و مجدداً وجهی را دریافت می‌کنند. در انتهای ساختمان نیز برای دریافت



افزایش نامتعارف قیمت مسکن در شرایط فعلی برگرفته از عوامل مختلفی است. نوسانات جاری در سطح اقتصاد کلان کشور در اقتصاد مسکن نیز که بین ۲۵ تا ۴۰ درصد اقتصاد را به خود اختصاص داده،

تأثیر گذاشته است. به گفته کارشناسان در حال حاضر بی‌ثباتی‌هایی در بازارهای موازی و سطح اقتصاد کلان داریم، مسلماً این موارد نیز در حوزه مسکن تأثیر خود را خواهد گذاشت. به جز سیاست‌های اقتصاد کلان که در شرایط فعلی اصلی‌ترین عامل افزایش قیمت مسکن است، عواملی همچون کاهش تولید مسکن که نزدیک به ۴۰ درصد کاهش تولید ساختمان در ۵ سال داشته‌ایم، نبود توازن بین بخش عرضه و تقاضای مسکن، یعنی افزایش تقاضا و کاهش عرضه مسکن و بازارهای موازی که باعث انتقال سرمایه‌ها

به سمت دیگر بازارها شده است، همه این عوامل باعث شده که قیمت مسکن افزایش پیدا کند. به باور یک عده در شرایط کنونی، راهکار این است که نهاد سیاستگذار به صورت کلان به بخش مسکن نگاه کند و در اقتصاد مسکن نیز باید مهم‌ترین اولویت نهاد سیاستگذار از بین بردن عدم توازنی باشد که طی سال‌های گذشته بین بخش عرضه و تقاضا به وجود آورده است.

متن زیر ماحصل گفت‌وگوی ما با احمد تولا، رئیس هیات‌مدیره شرکت صبا مهر اسپادانا، عضو هیات‌مدیره انجمن انبوه‌سازان استان اصفهان است.

شرایط تولید مسکن و ساخت‌وساز در سال جاری نسبت به سال گذشته را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تولید مسکن شامل دو بخش است؛ در یک

یادداشت

چرا عباس معروفی را

با رمان سمفونی مردگان می‌شناسند؟

فرشته نوبخت

همزمان با اعلام خبر ابتلا به سرطان زنده یاد عباس معروفی رمان نویسنده ایرانی مقیم آلمان و خالق آثاری چون «سمفونی مردگان» و «سال بلوا» در سال ۱۴۰۰، یادداشتی از فرشته نوبخت، رمان نویس، منتقد و نویسنده، درباره رمان سمفونی مردگان عباس معروفی منتشر شد که همزمان با انتشار خبر درگذشت این نویسنده فقید بار دیگر مورد توجه کاربران قرار گرفته است. متن کامل آن را بخوانید:

شهرت این رمان تا جایی است که غالباً عباس معروفی را با «سمفونی مردگان» می‌شناسند، همان‌طور که احمد محمود را با «همسایه‌ها» و هوشنگ گلشیری را با «شازده احتجاب» و غلامحسین ساعدی را با «عزاداران بیل» نویسنده نقد دلیل ماندگاری «سمفونی مردگان» را در پیوند آن با کهن‌الگوها و اسطوره‌های زنده در حافظه جمعی ایرانی می‌داند و اعتقاد دارد دو عنصر زمان و آرومی؛ و دو چارچوب اسطوره و تاریخ؛ یک فضای خیالی می‌سازند که روایت را فراتر از خط داستانی‌اش می‌برد. «سمفونی مردگان» (۱۳۶۸)، نوشته عباس معروفی، بیش از هر چیز یک شاهکار ماندگار در ادبیات معاصر ما است. این رمان، امروز، جزء آن کلاسیک ادبیات فارسی قلمداد می‌شود و کم‌تر کسی ممکن است آن را نخواند، به دست‌کم مواجهه‌ای با آن نداشته باشد. شهرت این رمان تا جایی است که غالباً عباس معروفی را با «سمفونی مردگان» می‌شناسند، همان‌طور که احمد محمود را با «همسایه‌ها» و هوشنگ گلشیری را با «شازده احتجاب» و غلامحسین ساعدی را با «عزاداران بیل»

اما چرا این رمان تا این اندازه موفق شد در بین فارسی‌زبانان جای خود را باز کند؟ این سؤالی است که قصد دارم در این نوشته به آن بپردازم. فرض این است که راز ماندگاری و کلاسیک‌شدن آثار ادبی در رابطه آن‌ها با حافظه جمعی و شیوه‌های روایی است که در ساخت آن به کار می‌رود. اما این چگونگی رابطه‌ای است؟ یا بهتر است بپرسم چگونه این رابطه ممکن خواهد شد؟ ادبیات، به گواه تاریخ، در عالی‌ترین شکل از بیان هنری تجلی می‌یابد. هر رویدادی می‌تواند در تاریخ ثبت نشود، ولی نمی‌توان مطمئن بود آن چه ثبت شده و به ما رسیده، همان است که باید باشد. در واقع کم‌ترین احتمال وجود دارد که از روایت‌های تاریخی بتوانیم به کنه حقایق و وقایع دست یابیم و تازه مگر اصلاً چنین دستیابی ممکن است؟ از منظر لوکاچ این دستیابی در قالب تجسم‌بخشیدن به تراکامات اجتماعی و تاریخی و تناقضات زندگی، تنها قالبی دراماتیک می‌طلبد. زیرا اگر هدف یافتن حقیقت یا فهم ذره‌ای از آن باشد، جوهر آن هرگز بی‌واسطه آشکار نمی‌شود. ما در زندگی شاهد کشمکش‌های در ظاهر دراماتیک و حتی دگرگونی‌های اجتماعی هستیم، اما این‌ها تنها «واقعیت‌های کلی» زندگی هستند و نه چیزی بیشتر.

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

یازدهم شهریور، سالروز درگذشت دکتر کاتوزیان

پاسدار حفظ حرمت و کرامت انسانی

ضیاء مصباح

شادروان دکتر امیر ناصر کاتوزیان در سال ۱۳۱۰ در تهران متولد شد و فامیل کاتوزیان به معنای پارسایان به حق، زبیده او بود. او سال ششم ادبی شاعرگرد اول بود و مدال علمی کشور را به دست آورد و شاید کسی تصور نمی‌کرد این جوان آرام و بلند قامت روزی اعتبار ملی و جهانی داشته حقوق را به دست آورد. همزمان با پایان بردن تحصیلات دانشگاهی در دانشکده حقوق دانشگاه تهران در سال ۱۳۳۹ اولین دانشجوی ایرانی بود که موفق به اخذ مدرک دکترای حقوق از دانشگاه تهران شد. دکتر سیدحسین امامی، ناصر را به عنوان جانشین خود در تدریس حقوق در دانشکده محل تحصیل انتخاب کرد و نگارنده در همان زمان افتخار شاگردی او را داشت. دکتر کاتوزیان حدود بیست و نه سال در این دانشگاه تدریس کرد. دکتر کاتوزیان حقوق در دانشکده‌های حقوق ایران در سطوح ارشد و دکتری پرداخت و نسل حقوقدانان دیروز و امروز کشور ما از شاگردان مکتب اویند که بیشتر در کسوت قضاوت، وکالت، سردفتری یا به عنوان همکاران دانشگاهی به ادامه راه او مشغولند. شادروان ناصر کاتوزیان در خلال سال‌های ۳۴ تا ۴۵ به امر قضا پرداخت و همزمان به تدریس نیز مشغول بود.

فعالیت او در تهیه و تدوین پیش‌نویس قانون اساسی ایران در سال ۱۳۵۸ و شرکت در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی به نمایندگی از جبهه ملی ایران او را به عنوان یکی از شاخص‌ترین چهره‌های فعال حقوقی سیاسی ایران، بیشتر و بیشتر مطرح کرد. روحیه آرام و پژوهنده وی باعث شد که صرفاً به مطالعه و پژوهش علم حقوق بپردازد و علاوه بر آثار، تحقیقات و کتب حقوقی و ... کارنامه ارزشمند علمی و تحقیقاتی بسیار آموزنده‌ای را در علم حقوق ایران بنیان گذارد، چنانکه آثار استاد در کتابخانه‌های دانشکده‌ها، دادگاه‌ها و دفاتر حقوقدان‌ها و ... موجود است و هیچ حقوق‌دانی خود را بی‌نیاز از اندیشه‌ها و آثار استاد نمی‌یابد. وی با تسلط به زبان انگلیسی و فرانسه به دلیل علاقه به فقه و متون فقهی به زبان عربی نیز مسلط بود و نخستین مقاله شادروان کاتوزیان در سال ۱۳۳۲ در مجله کانون وکلای وقت منتشر شد.

امیر ناصر رسیدن به آرزو را به مثابه توقف می‌دانست و می‌گفت: قانون، بخشی از حقوق رسمی است که توسط قوه مقننه و مجریه وضع می‌شود، این اندیشه‌ها، جامعه و سازمان‌های اجتماعی هستند که حقوق را می‌سازند و زمینه‌های اصلی‌اش را فراهم می‌سازند. استاد درخصوص اندیشه و آزادی بیان و عدالت بر این باور بود که: آدمی اگر نتواند آن گونه که می‌اندیشد افکارش را بیان نکند یا جرأت بیان فکرش را نداشته باشد در بحث عدالت در خم اول خواهیم ماند و این حاصل نمی‌شود مگر زمانی که هر کس هر آنچه می‌اندیشد را بیان کند و برخورد اندیشه‌ها بر اثر همین اصل ساده میسر می‌گردد و ...

ادامه در صفحه ۲